



The University of Tehran Press

Political Freedom of Expression in Sports: A Study of International Standards and Practices

Seyyed Mohsen Ghaemi Khargh¹  | Saeed Esfahanimoghaddam²

1. Corresponding Author; Department of Human Rights and Environment, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: sm_ghaemi@sbu.ac.ir
2. Master in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Kashan University, Isfahan, Iran. Email: atashbekhtiar313@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Freedom of expression encompasses various aspects of human life, including political activities, and is accompanied by the principle of limiting government intervention in this right, based on the characteristics of the first generation of human rights. The connection between sports and politics, along with the regulation of the concept of sports by governing bodies, places political freedom of expression in sports—meaning freedom of expression within the sports environment and the freedom of athletes to express themselves both in the sports context and outside of it—under legal and procedural limitations. This descriptive-analytical and library-based paper aims to identify the challenges restricting political freedom of expression in sports by examining international standards and practices related to this freedom, as well as proposing some legal considerations in this area. These considerations include the necessity for limitations on freedom of expression to be substantiated by the captive audience doctrine, the harm caused by certain expressions, the impact of contracts on limiting freedom of expression, and the need for social backing of the right. Political neutrality must be pursued legitimately, systematically, and limited to necessity, and will only be justified in cases where the law anticipates it, respecting the rights or dignity of others and maintaining national security, public order, health, or morals. Additionally, monitoring the relationship between sports and politics should not lead to neglecting the role of sports in building a peaceful society that upholds human dignity.
Pages: 2099-2122	
Received: 2023/07/16 Accepted: 2024/04/15 Published online: 2025/09/23	
Keywords: <i>sports, sports rights, freedom of expression, political rights, international law.</i>	
How To Cite	Ghaemi Khargh, Seyyed Mohsen; Esfahanimoghaddam, Saeed (2025). Political Freedom of Expression in Sports: A Study of International Standards and Practices. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (3), 2099-2122. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.362308.3356
DOI	10.22059/jplsqt.2024.362308.3356
Publisher	The University of Tehran Press. 



آزادی بیان سیاسی در ورزش: مطالعه ضوابط و رویه بین‌المللی

سید محسن قائمی خرق^۱ | سعید اصفهانی مقدم^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه حقوق بشر و حقوق محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

رایانامه: sm_ghaemi@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران.

رایانامه: atashbekhtiar313@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	آزادی بیان قلمروهای مختلفی از زندگی بشری از جمله فعالیت‌های سیاسی را در برمی‌گیرد که بر اساس ویژگی نسل نخست حقوق بشر، اصل محدودیت مداخله دولت به این حق ضمیمه می‌شود. پیوند ورزش با سیاست و تنظیم‌شدگی مقوله ورزش توسط نهادهای حاکم، آزادی بیان سیاسی در ورزش؛ به معنای آزادی بیان در محیط ورزشی و نیز آزادی بیان ورزشکاران در محیط ورزشی و خارج از آن را تحت محدودیت‌های قانونی و رویه‌ای قرار داده است. این نوشته توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای، با بررسی ضوابط و رویه‌های بین‌المللی آزادی بیان سیاسی در ورزش، در پی احصای چالش‌های تحدید آزادی بیان سیاسی و نیز پیش نهادن برخی ملاحظات حقوقی در این زمینه است؛ از جمله ضرورت مدلل بودن محدودیت آزادی بیان به دکترین مخاطب اسیر، ضرر ناشی از برخی بیان‌ها، اثر قرارداد بر تحدید آزادی بیان و ضرورت پشتوانگی اجتماعی از حق پیگیری بی‌طرفی سیاسی، باید به‌صورت مشروع، نظام‌مند و محدود به ضرورت، بوده و تنها در صورت پیش‌بینی قانون و ضرورت احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی، مشروع خواهد بود. همچنین پایش نسبت ورزش با سیاست، سبب غفلت از کارویژه ورزش در ساخت یک جامعه صلح‌آمیز مرتبط با حفظ کرامت انسانی نشود.
صفحات: ۲۰۹۹-۲۱۲۲	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱	
کلیدواژه‌ها: آزادی بیان، حقوق بین‌الملل، حقوق سیاسی، حقوق ورزشی، ورزش.	
استناد	قائمی خرق، سید محسن؛ اصفهانی مقدم، سعید (۱۴۰۴). آزادی بیان سیاسی در ورزش: مطالعه ضوابط و رویه بین‌المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۳)، ۲۰۹۹-۲۱۲۲. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.362308.3356
DOI	10.22059/jplsqt.2024.362308.3356
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

بیشتر موارد نقض حقوق بشر مربوط به ورزش ممکن است در قالب نقض حقوق کار، اخراج اجباری یا سرکوب حقوق مدنی به‌ویژه حق آزادی بیان و حق تجمع مسالمت‌آمیز واقع شود. اما برآیند همه مقررات وضع شده توسط نهادهای حاکم بر ورزش، ورزشکاران را به‌عنوان فردی غیرسیاسی در بیشتر موارد لحاظ می‌کند که نمی‌توانند اظهارات سیاسی در داخل اماکن ورزشی داشته باشند و در خارج از اماکن ورزشی نیز انتظار می‌رود که این اظهارات را به‌صورتی مسئولانه بیان کنند.^۱ بر این اساس چندانکه ملاحظه می‌شود رویکرد نهادی به مسئله آزادی بیان سیاسی در ورزش، امتناع این آزادی است. از این‌رو ضرورت دارد تا در مطالعه‌ای جامع نخست به رویه بین‌المللی در خصوص تحدید یا تحریم این حق نگاه شده و پس از آن، ضوابطی برای برقراری این آزادی در ساحت ورزش مطرح شود. افزون بر اینکه، موارد تحدید نیز توجیه و تبیین شده تا نسبت آن با بنیان حق و رسالت نهادهای ورزشی از جمله سازمان جهانی المپیک در راستای تقویت جهانی مسالمت‌آمیز مبرهن شود.

روش این تحقیق نیز کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی بوده و در خصوص پیشینه تحقیق نیز نوشته‌ای در ادبیات حقوقی فارسی با این مسئله و سیاق یافت نشده است. ساختار این نوشتار نیز بدین نحو، صورت‌بندی شده که در قسمت ابتدایی، مفهوم آزادی بیان در ورزش مطرح شده و پس از آن به‌ترتیب در سایر قسمت‌ها، ضوابط و سپس رویه‌های بین‌المللی در حوزه آزادی بیان سیاسی ورزشکاران و نیز چگونگی و گستره محدودیت آزادی بیان سیاسی ورزشکاران بررسی خواهد شد.

۲. مفهوم آزادی بیان در ورزش

آزادی بیان ریشه در نیاز ویژه برای حمایت در برابر انتقاد از قدرت دارد (BVerfGE 93, 266/293) و بدان معناست که شخص در مقام بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود آزاد باشد. در این عبارت، مراد از بیان، هر شیوه‌ای است که انسان‌ها با توسل بدان، اندیشه و دیدگاه خود را به سایرین منتقل می‌کنند؛ خواه آن اندیشه، سیاسی، اجتماعی یا هنری باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۴: ۲۹۳؛ فرومن، ۱۳۸۳: ۱۹۰). فلسفه شناسایی چنین حقی، امکان مشارکت همگانی در تصمیم‌سازی‌های اجتماعی و نیز آفرینش جامعه‌ای باثبات و پیشرو است. خصلت اساسی چنین حقی، تقویت ایده‌ها (Schauer, 2012: 22)، حمایت از کرامت انسانی (Baker, 2008: 946)، توسعه دموکراسی (Cass, 1987: 14) و شناساندن حقیقت (Smolla, 2011: 12) است. در حقوق داخلی کشورها از جمله ایران نیز به این حق تصریح شده است؛

1. For example see: CAS 2014/A/3519 Arnaud Di Benedetto v Fédération Internationale de Touch (FIT) & CAS 2014/A/3520 Bastien Cotte-Barrot v FIT; Also see CAS 2016/A/4558 Mitchell Whitmore v International Skating Union (ISU)

برای مثال در اصل ۲۳ قانون اساسی به این گزاره اشاره شده است که: هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. در رویه قضایی کشورها، بیان مشتمل بر امور سیاسی و موضوعات مرتبط با منافع عمومی دانسته شده^۱ و از حیث شکلی نیز هر چیزی که بتوان به وسیله آن، ایده و پیامی را منتقل کرد، مشمول آزادی بیان شده است.^۲

بحث در میان مفسران در مورد چیستی بیان و بر این اساس انواع ارتباطات در آزادی بیان به برداشت‌های متفاوتی در خصوص حق بر آزادی بیان منجر شده است. برای مثال رویکردی قائل به این‌همانی گفتار و بیان است. بر این اساس آیا می‌توان اقدامات را به‌عنوان «بیان» در نظر گرفت، مانند سوزندان پرچم^۳ و یا نشان دادن یک تصویر؟ بنابراین بدون در نظر گرفتن معنای واقعی کلمه بیان که دلالت متعارف بر لزوم استفاده از کلمات برای رساندن پیام دارد، عمل و اقدام نیز باید به‌عنوان بیان پذیرفته شود، زیرا آنها نیز پیامی را با اشاره به درک زمینه یا خود قانون، منتقل می‌کنند (Cover, 2013: 8). نکته دیگر آن است که پیام باید تأثیر ارتباطی بر گیرندگان داشته باشد که در ورزش، به دلیل عدم امکان صحبت ورزشکاران با تماشاگران، باید زانو گرفتن در هنگام سرود ملی یا هو کردن کسی را به‌عنوان «عبارت و بیان» در نظر گرفت. همچنین در راستای موضوع این نوشتار باید توجه داشت که در رویه قضایی، سودآور بودن فعالیت مانع از شناسایی آن به‌عنوان بیان و نیز مانع از اعمال حق بر آزادی بیان نخواهد بود (Joseph v. Burstyn, inc. V. Wilson, 1952; Guglielmi v. Spelling Goldberg prod., 1979).

آزادی بیان در ورزش این امکان را می‌دهد که دولت‌ها از نقض حقوق بشر در ورزش و غیر آن صرف‌نظر کنند (Beitz, 2009: 105-106). در واقع، رویداد جهانی ورزشی این قدرت را دارد که بخشی از بشر را از یک موضوع آگاه نماید و نیز بیان مربوط به سیاست‌های محلی در سطح جهانی، می‌تواند آن را به بخشی از گفتمان جهانی تبدیل کند. به همین ترتیب، عبارات در طول یک رویداد ورزشی، نه تنها می‌تواند مردم را آگاه کند، بلکه می‌تواند به نقطه آغازی برای همبستگی میان بخش‌های مختلف جامعه جهانی تبدیل شود. بر این اساس، جهان‌وطنی در قالب نگرانی جهانی برای خطرات و تهدیدها، پیش‌فرض یک دیدگاه جهانشمول از آزادی بیان به‌عنوان یک حق بشری است (Beck & Sznaider, 2010: 61). کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد گفته است: «جامعه بین‌المللی، ورزش را چیزی می‌داند که این قدرت را دارد که مردم را بدون توجه به منشأ، پیشینه، اعتقادات مذهبی یا وضعیت اقتصادی آنها دور هم جمع کند»^۴.

1. See: Hudson Gas & Elec. v. Public Svc. Comm'n

2. See: brown v. Entm't merchs. Ass'n, 2011

3. See: Texas v Johnson 491 US 397 (1989)

4. United Nations Press Release (SG/SM/9579) 'Universal Language of Sport Brings People Together, Teaches Teamwork, Tolerance, Secretary-General Says at Launch of International

همان‌طور که پرز اشاره کرده است، دولت از ورزش برای اهداف سیاست‌های خارجی و داخلی خود استفاده می‌کند (Pérez, 2013: 90; Parrish, 2003: 13). همچنین می‌توان ادعا کرد که حمایت آذربایجان از باشگاه اسپانیای اتلتیکو مادرید، نمونه‌ای جالب در به تصویر کشیدن عبارات سیاسی ملی و بین‌المللی در پوشش سخنان تجاری است. توضیح آنکه، آذربایجان حامی مالی پیراهن باشگاه در فصل ۲۰۱۲/۲۰۱۳ بود که محتوای پیراهن‌ها و سایر فضاها مطابق با پروژه‌هایی که آذربایجان انجام می‌داد، تغییر کرد.^۱ این باشگاه رسماً اعلام کرد که هدف این پروژه، ارتقای چهره آذربایجان از کشوری با سابقه ضعیف دموکراسی و فساد گسترده، به کشوری خوشنام بوده است (Krzyzaniak, 2018: 505).

در واقع، ورزش یک رسانه مهم در تولید و بازتولید حس هویت ملی است (Giulianotti & Finn, 2009: 257; Mutz & Gerke, 2018: 606). مراسمی که در مسابقات بین‌المللی دیده می‌شود از این نظر بسیار مهم است که به ایجاد یک «جامعه تخیلی» در شکل ملت کمک می‌کند و همچنین به دولت ملی در ایجاد روایت‌هایی درباره ملت کمک می‌کند، زیرا ملت‌ها و جایگاه آنها در جهان را به تصویر می‌کشد (Gleaves & Llewellyn, 2014: 5-9). سیاست چهره خود را در استفاده از نمادهای انتزاعی مانند خود تیم، پرچم ملی و سرود نشان می‌دهد و یک بیان سیاسی در قالب دور افتخار با پرچم دولت توسط ورزشکار برنده در مسابقات قهرمانی بین‌المللی، به‌طور اجماعی پذیرفته شده است (Gelber, 2012: 165).

۳. ضوابط و قواعد حاکم بر آزادی بیان سیاسی در ورزش از منظر اسناد بین‌المللی

اسناد بین‌المللی پایه حقوق بشر بر اهمیت حق آزادی بیان سیاسی در همه حوزه‌ها و از جمله ورزش (بنابر عموم و اطلاق موجود در این مقررات) و مسئولیت کشورهای متعاقد در خصوص مراعات و تضمین آن بدون توجه به امکانات موجود یا شرایط و اوضاع حاکم بر جامعه تأکید داشته‌اند؛ البته این حق محدود و مشروط به برخی ملاحظات شکلی، محتوایی، قانونی و حقوقی بوده که غالب آن در بندهای مواد مختلف اعلام جهانی حقوق بشر، میثاقین و سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی تصریح شده است. بند «ج» ماده ۷۶ منشور سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب». ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ نیز تصریح می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد». بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶

Year': <https://www.un.org/press/en/2004/sgsm9579.doc.htm>

1. See: Atlético de Madrid Website, 'Azerbaijan: Official Atletico Sponsor - Much more than a sponsorship' (13 November 2013).

تصریح می‌کند: «هر کسی از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد...». همچنین وفق بندهای ۱ و ۲ همین ماده، باید حق آزادی بیان برای همه افراد تضمین شود، و همه ارکان قضایی، اداری یا مقننه و یا هر مقام صالح دیگری در کشورهای عضو نسبت به احقاق حق آزادی بیان اقدام کنند. در اعلامیه و برنامه عمل وین (۱۹۹۳) نیز به آزادی بیان به‌عنوان یک عنصر جهانشمول اشاره و بر ابتدائی تقویت دموکراسی بر ابراز اراده آزاد افراد و اندیشه‌ها تأکید شد.

از منظر اسناد خاص حوزه ورزش نیز، در فوریه ۲۰۱۷، پس از تصویب دستور کار المپیک ۲۰۲۰ در دسامبر ۲۰۱۴، تعهدات صریح با تمرکز بر حمایت از حقوق بشر به قرارداد شهر میزبان (HCC) برای بازی‌های ۲۰۲۴ اضافه شد. البته ماده ۱۳ این قرارداد، مشخص نمی‌کند که شهر میزبان، کمیته ملی المپیک (NOC) و کمیته سازماندهی بازی‌های المپیک (OCOG) باید به کدام حقوق بشر احترام بگذارند و از آنها محافظت کنند. بر اساس بند ۱۳.۱ شهر میزبان و دو کمیته مذکور باید در فعالیت‌های خود در ارتباط با سازماندهی بازی‌ها، ممنوعیت هر نوع تبعیض در رابطه با یک کشور یا یک شخص به‌دلیل نژاد، رنگ، جنسیت، گرایش جنسی، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا وضعیت دیگر را رعایت کنند و از رفع هرگونه نقض حقوق بشر به روشی که مطابق با توافقنامه‌ها، قوانین و مقررات بین‌المللی قابل اجرا در کشور میزبان و به‌گونه‌ای منطبق با تمام استانداردها و اصول حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی، از جمله دستورالعمل سازمان ملل متحد باشد، اطمینان حاصل کنند.

بر اساس بند ۱۳.۳، IOC از طریق کمیسیون هماهنگی خود که در بند ۲۷ ذکر شده است، باید یک مکانیسم گزارش‌دهی برای رسیدگی به تعهدات ذکرشده در بند ۱۳.۱ و ۱۳.۲ در خصوص فعالیت‌های شهر میزبان، NOC و OCOG ایجاد کند. همچنین مطابق بند ۲ ماده ۵۰ منشور المپیک، هرگونه اعتراض یا تبلیغ سیاسی، مذهبی یا نژادی در محوطه، اماکن یا سایر فضاهای المپیک مجاز نیست». در ژانویه ۲۰۲۱، کمیته بین‌المللی المپیک مبتنی بر نظر کمیسیون ورزشکاران، دستورالعمل اجرایی ماده ۵۰ را صادر کرد که علت و هدف ماده ۵ و نیز زمان و مکان ممنوعیت‌های وارد بر آزادی بیان سیاسی ورزشکاران را در قالب مصادیقی مانند ژست‌های سیاسی زانو زدن و حرکات دست تبیین می‌کند. اما در اثر فشار افکار عمومی و ورزشکاران، این دستورالعمل در ۲ ژوئیه ۲۰۲۱ اصلاح شد و به موجب آن، توضیحات مفصلی در مورد اماکن و فرصت‌هایی که ورزشکاران برای تمتع از حق آزادی بیان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، داده شد. این ظرفیت‌ها عبارت‌اند از:

۱. در اماکن مختلط؛ مانند زمان گفت‌وگو با رسانه؛ ۲. در مرکز پخش بین‌المللی یا مرکز رسانه‌ها؛ ۳. در طول کنفرانس‌های مطبوعاتی؛ ۴. در حین مصاحبه؛ ۵. در جلسات تیمی؛ ۶. از طریق رسانه‌های سنتی و دیجیتالی؛ ۷. از طریق کانال‌های رسانه‌ای؛ ۸. در محل مسابقه پیش از شروع مسابقه، در مکان برگزاری

مسابقه (برای مثال پس از ترک اتاق تماس یا هر مکان مشابه اتاق تماس یا در حین معرفی ورزشکار یا تیم). وفق این اصل، آزادی بیان ورزشکاران محدود به شرایط متعددی است؛ از جمله آنکه مطابق اصول بنیادین المپیک باشد و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ملت‌ها، کشورها یا سازمان‌ها و شأن آنها را هدف نگیرد و به اخلاف منجر نشود. از جمله مصادیق اخلاف نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «اظهار عقیده یا اعتراض در هنگام معرفی ورزشکار یا تیم یا در زمان پخش سرود ملی، و نیز اخلاف فیزیکی هنگام معرفی ورزشکار یا تیم یا در هنگام اجرای پروتکل».

وفق ماده ۳ اساسنامه فیفا نیز، فیفا متعهد به احترام به تمامی حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی است و برای ارتقای حمایت از این حقوق تلاش خواهد کرد. در بند ۲ ماده ۴ همین سند نیز آمده که فیفا در مسائل سیاسی و مذهبی بی‌طرف بوده و ممکن است در خصوص موضوعاتی که تحت تأثیر اهداف قانونی فیفا قرار دارد، استثنا قائل شود. همچنین تعهد پیش‌گفته فیفا نسبت به حقوق بشر، شامل تمامی حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی، از جمله حقوق مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر (شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و اعلامیه سازمان بین‌المللی کار در مورد اصول و حقوق اساسی در کار ورزش است^۱ (وفق ماده ۱ سند سیاست حقوق بشر فیفا، می ۲۰۱۷). همچنین در المپیک‌های زمستانی ۲۰۱۸ پیونگ‌یانگ چانگ، از جمله شرایط و ضوابط بلیت این بازی‌ها «نداشتن بزر، طناب، بزرهای اعتراضی، لباس و غیره با عبارات و نقاشی‌های بیانگر محتوای نژادی، مذهبی، سیاسی، تبلیغات تجاری یا سایر تبلیغاتی است که منشور المپیک، نظم عمومی و وجدان عمومی را نقض می‌کند»^۲. رویکرد مشابهی در شرایط و ضوابط عمومی بلیت یوفا یورو ۲۰۲۰ در ماده ۹.۲ وجود دارد که مقرر می‌دارد: «در داخل استادیوم، بیان و انتشار هرگونه توهین، نژادپرستی، بیگانه‌هراسی اکیداً ممنوع است. پیام‌های جنسیتی، مذهبی، سیاسی یا سایر پیام‌های غیرقانونی/ممنوع، به‌ویژه پیام‌های تبلیغاتی تبعیض‌آمیز یا در اختیار داشتن چنین مطالبی، ممنوع است». همچنین تنها پرچم کشورهایی را می‌توان در بازی‌های المپیک باز کرد که برای این بازی‌ها ثبت شده باشد.^۳

۴. رویه‌های بین‌المللی در حوزه آزادی بیان سیاسی ورزشکاران

در این قسمت به‌طور مشخص، ابتدا در خصوص رویه نهادها و سازمان‌های ورزشی (مانند فدراسیون‌ها و

1. FIFA Human Right Policy, May 2017.

2. IOC, PyeongChang 2018 Terms & Conditions of Ticket Purchase, Possession and Use, 'Spectator Policy' 2.1.7.

3. PyeongChang 2018 Terms & Conditions of Ticket (n 150) 'Spectator Policy' 2.1.7.

کمیته بین‌المللی المپیک) در خصوص آزادی بیان سیاسی ورزشکاران بحث خواهد شد و بعد از آن، رویه قضایی-داوری نهادی مانند دیوان دوری ورزش بررسی خواهد شد.

۱.۴. رویه نهادها و سازمان‌های ورزشی

در ۴ مارس ۲۰۱۸، پپ گواردیولا^۱ مدیر باشگاه فوتبال منچستر سیتی و سرمربی و بازیکن سابق باشگاه بارسلونا به دلیل وصل کردن روبان زرد کوچک به لباسش در طول مسابقات، توسط اتحادیه فوتبال ۲۰۰۰ پوند جریمه شد. وی این کار را در همبستگی با سیاستمداران کاتالونیایی زندانی در زمینه همه‌پرسی استقلال کاتالونیا در اکتبر ۲۰۱۷ انجام داده بود.^۲ در مکزیک نیز در سال ۱۹۶۸، کاسلاوکا، موفق‌ترین ژیمناستیک چکسلواکی طی مراسم اعطای مدال، به هژمونی شوروی در کشورش اعتراض کرد و این حرکت به زندگی حرفه‌ای او پایان داد (Goldblatt, 2016: 240).

همچنین در برخی رویه‌ها و فرهنگ‌ها اجازه بیان در خصوص دیدگاه یا موضوع خاصی داده نمی‌شود؛ برای مثال پرچم کردستان در بازی فینال سوپر جام یوفا میان باشگاه بارسلونا و سویا اف سی در سال ۲۰۱۵ که همه جهان به پخش بدون سانسور این مسابقه پرداختند؛ اما تلویزیون دولتی ترکیه، این پرچم را در تصاویر خود حذف کرد.^۳ همچنین می‌توان به تحریم باشگاه‌های بارسلونا و شالکه توسط یوفا به دلیل باز کردن پرچم‌های استلادا و بنرهای ACAB (همه پلیس‌ها حرام‌زاده‌اند) اشاره کرد. یوفا این عبارات را به دلیل ماهیت سیاسی آنها غیرقانونی تشخیص داد، اگرچه مقامات دولتی اسپانیا و آلمان آنها را قانونی می‌دانستند.^۴

البته از منظر رویه بین‌المللی، اختلافاتی در شیوه محدودیت محتوای بیان سیاسی وجود دارد؛ برای مثال جریمه ۱۰۰ هزار یورویی باشگاه بارسلونا به دلیل اظهارات سیاسی هوادارانش و شعار استقلال ایشان؛ درحالی‌که در مورد دیگری، بیان سیاسی هواداران استانبول باشاک شهیر (در سوپر لیگ برتر فوتبال کولوبو بازی مقدماتی لیگ قهرمانان اروپا مقابل کلوب بروژ در فصل ۲۰۱۷ در دقیقه ۹۰ بازی) توسط یوفا تأیید

1. Pep Guardiola

2. See, The Football Association v. Pep Guardiola, Written Reasons of the Regulatory Commission (Mar. 12, 2018) at para. 18, <http://www.thefa.com/football-rules-governance/discipline/written-reasons>

3. See: Sözcü Newspaper Website, 'TRT'den o bayrağa sansür geldi!' [The TRT has censored that flag!] (13 August 2015).

4. See: UEFA Appeals Body decision of 21 June 2016, FC Barcelona. Reported in UEFA, 'Case Law: Control, Ethics and Disciplinary Body & Appeals Body' (January 2016 - June 2016) 187 and 189-190; UEFA CEDB decision of 23 March 2017, Schalke 04. Reported in UEFA, 'Case Law: Control, Ethics and Disciplinary Body & Appeals Body' (January - June 2017) 73 and 75.

شد.^۱ در جریان مورد نخست، به اهتزاز درآوردن پرچم‌های استلادا به عنوان نمادی تاریخی از استقلال کاتالونیا از اسپانیا تفسیر شد. در این خصوص موضع یوفا به نفع دولت اسپانیا بود؛ آن هم در شرایطی که میان پرچم اسپانیا و کاتالونیا تنش وجود داشت (Whigham et al., 2019: 233). در مورد دوم، هواداران تیم میزبان، بنری را که نیمی از جایگاه را پوشانده بود، باز کردند که روی آن نوشته شده بود «فرمانده کل» و سمت چپ آن نیز عکس رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان که در مسابقه شرکت کرده بود، قرار داشت.^۲ در تأیید این اظهار سیاسی، می‌توان گفت که این عمل در راستای اعمال قوای اخلاقی تماشاگرانی است که با در آغوش کشیدن رئیس‌جمهور خود با جامعه خود احساس اتحاد می‌کنند (Raz, 1988: 34) و نیز از آنجایی که تعبیر فرمانده کل، توسط قانون اساسی ترکیه به رئیس‌جمهور اعطا شده است، از این رو بیانی قانونی محسوب می‌شود.^۳ ملاک یوفا برای تعیین ماهیت سیاسی اظهارات، رابطه میان «پیام بالقوه و مسابقه» و چگونگی درک پیام بالقوه مذکور، برای هواداران حاضر در استادیوم و نیز بینندگان تلویزیون است. در خصوص مورد اخیر، یوفا به این نتیجه رسید که هواداران مهمان و بینندگان تلویزیونی مسابقه، آن را یک بیان سیاسی نمی‌دانند. با وجود این بازرس اخلاق و انضباط یوفا در این پرونده تأکید کرد که جایگاه اردوغان به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح ترکیه هیچ ربطی به فوتبال ندارد و اینکه پیام موردنظر برای یک رویداد ورزشی مناسب نیست و به دلیل تلاش سال قبل برای کودتا علیه اردوغان توسط نیروهای مسلح ترکیه و عملیات نظامی فرامرزی در سوریه، جنگ را تداعی می‌کند. افزون بر این، اگر قانونی بودن بیان سیاسی ملاک حکم یوفا باشد، یوفا قبلاً عباراتی را که دادگاه‌های داخلی اسپانیا و آلمان قانونی تلقی کرده بودند، محدود کرده بود؛^۴ همچنان که استلادا نیز به طور رسمی توسط پارلمان کاتالونیا به رسمیت شناخته شده است. بر این اساس اگر قرار باشد قانونی بودن ملاک تعیین‌کننده باشد، باید با پرچم‌های استلادا و نیز پرچم برآمده در ترکیه به طور یکسان رفتار می‌شد. در خصوص ادراکات بینندگان در ترکیه نیز نمی‌توان آنها را همگون دانست؛ چه آنکه بینندگان در ترکیه ممکن است رأی منفی به ریاست جمهوری اردوغان و پیشنهاد وی برای اصلاحات قانون اساسی داشته باشد و بر این اساس، اپوزیسیون، این بنر را نوعی بی‌طرفی سیاسی خواهد دانست.

تامی اسمیت و جان کارلوس نیز به دلیل بالا بردن مشتهای خود و خودداری از روبه‌رو شدن با پرچم آمریکا به دلیل اعتراض به رفتار ناعادلانه با سیاه‌پوستان و افراد با درآمد کم در ایالات متحده، از دریافت

1. UEFA Appeals Body decision of 21 June 2016, FC Barcelona. Reported in UEFA, 'Case Law: Control, Ethics and Disciplinary Body & Appeals Body' (January 2016 - June 2016) 182.
2. Sabah Newspaper Website, 'Cumhurbaşkanı Erdoğan, Başakşehir-C. Brugge Maçını İzlemeye Geldi' [President Erdoğan Attended the Başakşehir-C. Brugge Match] (02 August 2017).
3. Constitution of the Republic of Turkey, art 117 (Official English version).
4. UEFA Appeals Body FC Barcelona (n 83) 188. See: FC Barcelona and FC Schalke 04 cases

مدال در بازی‌های المپیک تابستانی مکزیک در سال ۱۹۶۸ محروم شدند (Cooper et al., 2019: 159). اما در برابر، در بازی‌های المپیک، ورا چاسلاوسکا، یک ژیمناستیک اهل چکسلواکی با انداختن سر خود به پایین و دور شدن از پرچم اتحاد جماهیر شوروی، به دلیل اعتراض به تهاجم شوروی به چکسلواکی، گرفتار اقدام انضباطی نشد و از سوی ایالات متحده به عنوان مقاومت قهرمانانه فهم شد (Nafziger, 1988: 97-98).

کالین کپرنیک بازیکن NFL آفریقایی-آمریکایی نیز که ابتدا نشسته بود و بعد به هنگام خواندن سرود ملی زانو زد، به عنوان اعتراض به خشونت پلیس علیه آفریقایی-آمریکایی‌ها چنین کرد. با وجود این وی آزاد شد، اما علی‌رغم سوابق بسیار خوب، هیچ تیمی وی را به فهرست خود اضافه نکرد و در واقع عدم امضای قرارداد وی نوعی تنبیه وی به شمار می‌رود.^۱

در ترکیه، اوزگور ناسوح فوتبالیست ترکیه‌ای به دلیل مواجه نشدن با پرچم ترکیه هنگام پخش سرود ملی قبل از مسابقه، محرومیت در دو بازی آینده را از فدراسیون فوتبال ترکیه دریافت کرد.^۲ دینز ناکی، فوتبالیست کرد ترکیه‌ای نیز به دلیل تبلیغات ایدئولوژیک، برای دوازده مسابقه محروم شد. وی پس از پیروزی در حساب کاربری خود در شبکه‌های اجتماعی متن زیر را منتشر کرد: این پیروزی را به عنوان هدیه‌ای به کسانی که جان خود را از دست داده‌اند و زخمی‌های سرکوب در سرزمین ما در این مدت ۵۰ روزه [عملیات نیروهای مسلح ترکیه در استان‌های جنوب شرقی ترکیه] هستند، تقدیم می‌کنم.^۳ همچنین وقتی وی از طریق رسانه‌های اجتماعی از مردم خواست تا به راهپیمایی اعتراضی در شهر کلن آلمان بپیوندند، وی به دلیل تبلیغات جدایی طلبانه و ایدئولوژیک، به پرداخت ۵۸ هزار یورو جریمه و نیز محرومیت سه ساله-یعنی ممنوعیت مادام‌العمری خودکار- محکوم شد.^۴

همچنین در ۴ اکتبر، کمیته انضباطی و اخلاق AFC حکم داد که ریز کردن و کشاندن چشم‌ها توسط عیسی آل کثیر (بازیکن پرسپولیس) پس از گلزنی برابر پاختاکور، در جریان بازی لیگ قهرمانان آسیا، مصداق نژادپرستی بوده و وی ماده ۵۸.۱ از مقررات انضباطی و اخلاقی فدراسیون را نقض کرده است و تصمیم گرفت به مدت شش ماه او را از شرکت در هر فعالیت مربوط به فوتبال محروم و ۱۰ هزار

1. See: S Wyche, 'Colin Kaepernick explains why he sat during national anthem: <http://www.nfl.com/news/story/0ap3000000691077/article/colin-kaepernick-explains-why-he-sat-during-national-anthem>
2. See: Turkish Football Federation Board of Appeals Decision 2009/650 E 2009/621 K of 17 November 2009.
3. See: The Guardian Website, 'Turkish player handed 12-match ban for 'ideological propaganda' on Facebook': <https://www.theguardian.com/football/2016/feb/05/turkish-player-12-match-ban-ideological-propaganda>.
4. See: Deutsche Welle Website, 'Turkey bans Deniz Naki from professional football' (30 January 2018).

دلار جریمه کند؛^۱ با اینکه فعل آل کثیر بدون سوءنیت و با سابقه تکرار در بازی‌های قبلی وی مقابل الشارجه و السد بوده است.

از دیگر نمونه‌ها می‌توان به محرومیت ده‌ساله فتحی نورین از حضور در مسابقات به‌دلیل انصراف از بازی در المپیک توکیو ۲۰۲۰ مقابل نماینده رژیم صهیونیستی اشاره کرد.^۲ همچنین کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال فرانسه، یوسف عتال را به‌دلیل انتشاری پستی در فضای مجازی مبنی بر حمایت از غزه، از ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳ از ۷ مسابقه تیم نیس محروم کرد.^۳ یوفا نیز در اقدامی، باشگاه سلتیک را به‌دلیل حمایت از مردم فلسطین ۱۹ هزار دلار جریمه کرد.^۴ باشگاه آلمانی ماینس نیز انور الغازی را به‌دلیل پستی که در حمایت از مردم فلسطین در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بود، ابتدا تعلیق، سپس اخراج کرد.^۵

از دیگر برخوردهای سیاسی با ورزش می‌توان به رد درخواست ۲۹ کشور آفریقایی توسط کمیته المپیک در المپیک ۱۹۷۶ مونترال اشاره کرد. در این درخواست، تقاضا شده بود تا نیوزلند را به‌دلیل شرکت در مسابقاتی در آفریقای جنوبی تحت آپارتاید، از بازی‌ها محروم کنند.^۶ در مقابل، هیأت اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک، در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳ کمیته المپیک روسیه را به‌دلیل جنگ میان روسیه و اوکراین، تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآورد و از جمله عواقب این تعلیق، آن است که کمیته المپیک روسیه دیگر حق ندارد به‌عنوان کمیته ملی المپیک، همان‌طور که در منشور المپیک تعریف شده است، فعالیت کند و نمی‌تواند هیچ‌گونه بودجه‌ای از کمیته بین‌المللی المپیک دریافت کند. همچنین در موضع کمیته بین‌المللی المپیک در ۲۸ مارس ۲۰۲۳ آمده است، که کمیته بین‌المللی المپیک این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در مورد شرکت ورزشکاران بی‌طرف با پاسپورت روسی در بازی‌های المپیک پاریس ۲۰۲۴ و بازی‌های المپیک زمستانی میلان کورتینا تصمیم‌گیری کند و حضور ورزشکاران روسی باید بدون اهتزاز پرچم کشور روسیه باشد.^۷

1. See: https://www.theafc.com/en/about_afc/legal/news/afc_appeal_committee_decision_in_persepoli_salkasir_case_upheld_by_cas.html

2. See: <https://www.france24.com/en/live-news/20220324-arabs-denounce-double-standard-of-russia-sports-bans>

3. See: <https://theathletic.com/4999666/2023/10/25/youcef-atal-nice-suspended/>

4. See: <https://www.dailymail.co.uk/sport/football/article-12672547/Celtic-supporters-defy-club-display-Palestinian-flags-Champions-League-clash-Atletico-risking-punchy-fine-UEFA.html>

5. See: <https://www.dailymail.co.uk/sport/football/article-12697263/Anwar-El-Ghazi-pro-Palestine-Gaza-Mainz-Israel.html>

6. See: <https://www.theguardian.com/sport/2021/jul/19/african-nations-boycott-montreal-olympics-1976>

7. See: <https://olympics.com/ioc/media/q-a-on-solidarity-with-ukraine-sanctions-against-russia-and-belarus-and-the-status-of-athletes-from-these-countries>

۲.۴. رویه دیوان داوری ورزش در خصوص آزادی بیان سیاسی ورزشکاران

دیوان داوری ورزش (CAS) که به عنوان «دادگاه عالی ورزش جهان» شناخته می‌شود، در تفسیر و قضاوت پرونده‌های مربوط به آزادی بیان سیاسی در ورزش‌های بین‌المللی نقشی اساسی دارد. کمیته بین‌المللی المپیک، فیفا، یوفا و بسیاری دیگر از نهادهای بین‌المللی حاکم بر ورزش («SGBs») (و برخی نهادهای ملی) صلاحیت نهاد مستقر در لوزان را برای حل و فصل اختلافات ورزشی مربوط به تصمیمات خود پذیرفته‌اند. دیوان داوری ورزشی، ملاک‌های مختلفی را در رویه خود برای تشخیص سیاسی یا غیرسیاسی بودن بیان و در نتیجه حمایت از آن مورد توجه قرار داده است؛ از جمله هدف «حفظ نظم»، «اصول (مکتوب و نانوشته) ورزش»^۲، و یا به طور کلی «تصویر یا نمای بازی»^۳ [به معنای بازنمایی تأثیر نامطلوب یک بیان در افکار جهانی و القای ناتوانی نهادهای ورزشی در مدیریت ورزش]. دیوان داوری ورزش در موارد متعددی برای حمایت از آزادی بیان سیاسی، با وجود عدم انسجام در رویه، اصل حسن نیت را در مورد اتهامات مدنظر قرار داده (CAS 2012/A/2912; CAS 2012/A/2913, CAS 2014/A/3516) و بر این اساس از ماهیت افتراءآمیز و تأثیر بیان بر کرامت انسانی حمایت نکرده است (CAS 2010/A/2188).

دیوان داوری ورزش در برخی موارد، سیاسی بودن بیان و عدم حمایت از آن را حکم داده است؛ مانند ماهیت سیاسی یک بنر حاوی «نمادهای بسیار ملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه آلبانیایی» که از طریق یک هواپیمای بدون سرنشین در مسابقه با صربستان باز شد.^۴ دیوان با تقسیم بیان‌ها به بیان‌های در زمین بازی و خارج از زمین، از نوع دوم بیان‌ها، مشروط بر اینکه آنها افتراءآمیز نباشند و با حسن نیت گفته شده باشند، حمایت می‌کند، اگرچه حکم دیوان در خصوص نیمار، فوتبالیست برزیلی و بازیکن تیم پاری سن ژرمن، مثال نقض این رویه است.^۵ همچنین در پرونده دیگری، پس از برنامه‌ریزی فدراسیون فوتبال آرژانتین برای بازی دوستانه مقابل تیم فوتبال اسرائیل در اورشلیم، جبرئیل رجوب، رئیس فدراسیون فوتبال فلسطین، از «همه» خواست عکس‌ها و پیراهن‌های لیونل مسی را بسوزانند. دیوان داوری ورزش در این پرونده، ضمن تأیید تعلیق و جریمه ۱۲ ماهه فدراسیون، تأکید کرد که رئیس فدراسیون در برانگیختن نفرت و خشونت علیه یک ورزشکار تأثیر داشته و به این نتیجه رسید که این بیان از حمایت برخوردار نیست. بنابراین، با آنکه رئیس فدراسیون در خارج از زمین مسابقه اظهارنظر می‌کرد، ولی تأثیر فرضی او بر «همه» و به‌ویژه جهان عربی و اسلام و انتشار این عبارت نسبت به تعداد زیادی از افراد، مبنای این حکم دیوان داوری ورزش شد.^۶

1. CAS 2007/A/1217

2. CAS 98/200

3. CAS 2010/A/2119

4. CAS 2015/A/3874.

5. CAS 2019/A/6367

6. CAS 2017/A/5166 & 5405; CAS 2018/A/6007

در نمونه‌های دیگری از آرای دیوان دآوری ورزش، استفاده حامیان کرواسی از کلمه «سیگان» در شعار، به‌منزله سخنان نفرت‌انگیز و مشعر به رژیم فاشیستی، به محرومیت از ۱۰ مسابقه فوتبال آینده منجر شد.^۱ در رأی دیگری نیز استفاده از پرچم‌های حاوی صلیب توسط گروه‌های راست افراطی مجارستانی، نژادپرستانه محسوب شد.^۲

۵. واکاوی چگونگی و گستره محدودیت آزادی بیان سیاسی ورزشکاران

چالش‌های متعددی در ضابطه‌مندی آزادی بیان سیاسی در ورزش وجود دارد؛ نخست اینکه، در ورزش، آزادی بیان با مفاهیم پرکاربرد «رفتار غیرورزشی»، «سوء رفتار»، «روحیه ورزشی اخلاق‌مند»، «بی‌اعتبار کردن بازی» و «سوءاستفاده از محبوبیت ورزش»، محدود شده است. هیأت کنترل و انضباطی از این فرصت استفاده کرده و نمی‌تواند اجازه دهد مسابقات فوتبال سازماندهی شده توسط یوفا به محلی برای افراد سوءاستفاده‌چی از محبوبیت یا مبلغ عقاید سیاسی یا مذهبی خود تبدیل شود.^۳ این ادله با وجود عدم وضوح و شفافیت^۴، مانند آن است که عدم توفیق، امتناع یا غفلت ورزشکاران از استانداردهای شهروندی خوب، دلیلی برای لغو و فسخ قرارداد بازی دانسته شود؛^۵ چه این رفتارهای نادرست در زمین باشد یا خارج از زمین، اما برای شهرت و وجهه عمومی تیم و یا بازی مضر باشد.^۶

شایان توجه است که عایق‌بندی ورزش در برابر سیاست امری ممتنع است. این اشتباه در تلاش برای عایق‌بندی را می‌توان در بازی‌های مقدماتی جام ملت‌های اروپا زیر ۲۱ سال میان ترکیه و سوئد در سال ۲۰۱۳ دید. این مسابقه هنگام اعتراضات گزی به‌دنبال سیاست‌های رجب طیب اردوغان آغاز شد. ورزشگاه رجب نیز از قضا در نزدیکی کانون اعتراضات قرار داشت و در دقیقه ۲۳ بازی، به‌دلیل استفاده از

1. CAS 2013/A/3094

2. CAS 2014/A/3562

3. See: UEFA CEDB decision of 23 February 2017: 25-26.

4. See CAS 16/009 Russian Weightlifting Federation (RWF) v International Weightlifting Federation (IWF), para 7.13,

در این پرونده، خواهان اظهار می‌دارد: اطلاعاتی که فدراسیون بین‌المللی ورزش وزنه‌برداری، بر اساس آن درخواست تجدیدنظرخواهی داده، برای بدنام کردن ورزش وزنه‌برداری کافی نیست و هیأت نمی‌تواند با مبهم بودن اصطلاح بدنامی برای از دست دادن شهرت یا بی‌آبرویی موافقت کند.

See: CAS 2011/A/2525 Harry Wiltshire v International Triathlon Union (ITU), para 40,

وفق این بند، رفتار ورزشی ورزشکارانه، تخلفی را توصیف می‌کند که لزوماً نقض یک قانون خاص بازی نیست، اما قوانین عمومی پذیرفته‌شده ورزش را نقض می‌کند.

5. NBA Collective Bargaining Agreement of 19 January 2017, Exhibit A 'NBA Uniform Player Contract', art 16.

6. MLS Collective Bargaining Agreement of 1 February 2015, sections 20.1 and 20.2.

اسپری فلفل توسط پلیس ترکیه علیه تجمع سیاسی در اعتراض به مرگ یکی از معترضان، توسط داور متوقف شد.^۱

چالش سوم آن است که رویه واحدی در قبال محدودیت‌های تحمیل شده توسط ارزش‌های ورزشی بر آزادی بیان وجود ندارد و سبب نابرابری و بی‌عدالتی در رفتار نهادهای حاکم بر ورزش شده است. همچنان که کمیته بین‌المللی المپیک به ریاست اوری براندریج آمریکایی، با وجود اعتقاد وی به نقش ورزش برای ورزش (و مخالفت با پیوند ورزش با سیاسی) و اعتقاد به جایگاه ورزشکار به عنوان کاتالیزر پیشرفت اجتماعی (95: 2013, Sidelined)، می‌توان وی را پیشرو در تحریم معترضانی دانست که جایگاه آمریکا به عنوان یک لیبرال دموکراسی شایسته سالار^۲ را تهدید می‌کنند (Rorke & A, 2017: 91). به همین دلیل است که چاسلاوسکا تا بیش از ۵۰ سال بعد، به عنوان یک قهرمان مردمی شکست‌ناپذیر دانسته شده^۳، ولی درخشش اسمیت و کارلوس، تحت الشعاع اعتراض روی سکو قرار گرفت.^۴ به عبارت دیگر، قانون موردی نسبتاً قابل پیش‌بینی در خصوص آزادی بیان در زمینه ورزشی وجود ندارد تا با ارائه آن به همه دست‌اندرکاران ورزش اجازه داد بهتر بفهمند چه زمانی از مرز مجاز آزادی بیان عبور می‌کنند؛ آن چیزی که اقتضای «اصل قانونی بودن و قابل پیش‌بینی بودن مجازات‌ها و محرومیت‌ها»^۴ است.

چالش آخر نیز در خصوص شیوه دادرسی دعاوی ناظر بر آزادی بیان سیاسی ورزشکاران است؛ بر اساس گزارش اصلی تهیه شده توسط پروفیسور جان راگی تحت عنوان «برای بازی، برای جهان، فیفا و حقوق بشر» (منتشر شده در آوریل ۲۰۱۶)، آن است که «اگر یک سیستم داورى بخواند به‌طور مؤثر به شکایات مرتبط به حقوق بشر رسیدگی کند، به تضمینات رویه‌ای و ماهوی خاصی نیاز دارد؛ درحالی‌که سیستم حل اختلاف فیفا و بیش از ۳۰۰ داور CAS ممکن است برای حل و فصل اختلافات مرتبط با فوتبال متخصص باشند، اما آنها اغلب فاقد تخصص حقوق بشر هستند» (Ruggie, 2016: 26). با وجود این چالش‌ها، به نظر می‌رسد به عنوان ایده محوری مقاله باید تحدید آزادی بیان، از منطق و ملاحظات تبعیت کند که در ذیل به ترتیب بیان خواهد شد.

۵.۱. منطق حاکم بر تنظیم آزادی بیان

پیش از این مطلب، باید میان «قانون» و «محدودیت» تمایز قائل شد. در واقع، «تنظیم» بیان از طریق

1. Milliyet Newspaper Website, 'Milli maçta 'biber gazı' molası' (10 September 2013).

2. The IOC Website, Věra Čáslavská profile.

3. The IOC Website, '200M Medallists Smith and Carlos Stage Podium Protest': <https://www.olympic.org/news/200m-medallists-smith-and-carlos-stage-podium-protest>

4. Principle of legality and predictability of sanctions

اجرای قانون، شیوه‌ای منظم برای بحث ایجاد می‌کند؛ درحالی که «محدودیت» عبارات، برخی از عبارات را از گستره آزادی بیان خارج می‌کند (Rawls, 1999: 178). بنابراین همان گونه که برگر استدلال کرده است: «تنظیم بیان با آزادی بیان سازگار بوده و حتی اهداف آن را تقویت می‌کند» (Russell, 1991: 11). بارنت نیز می‌نویسد: «مقررات و حتی گاهی اوقات ممنوعیت بیان ممکن است برای حمایت از حق بیان آزاد دیگران توجیه شود» (Barendt, 2005: 49). با این حال نباید بیان را از طریق نظارت بیش‌ازحد یا سوءاستفاده محدود کرد (Richards, 1986: 173). در ذیل به چهار دلیل در راستای موجه‌سازی تنظیم آزادی بیان اشاره می‌شود:

دلیل نخست: ضرورت پشتیبانی اجتماعی از حق

جامعه به ورزشکاران نقش افراد غیرسیاسی را می‌دهد و کسانی که می‌خواهند فراتر از این نقش تعیین‌شده، بروند لازم است اعلام کنند که آنها بیش از یک ورزشکارند؛ همان‌طور که در مورد لبرون جیمز، با دستور به وی که «ساکت شو و دریبل کن» نقش وی بدو یادآوری شد.^۱ یا زمانی که اندی موری، تنیسور اسکاتلندی در سال ۲۰۱۴ از همه‌پرسی استقلال در اسکاتلند در توئیتر حمایت کرد؛ به سرعت از سوی افکار عمومی محکوم و سبب شد ابراز پشیمانی کند و قول به عدم اظهار هرگونه بیان سیاسی در آینده دهد. سایر ورزشکاران نظیر وی که از رفتارندوم جانبداری کرده بودند نیز به همین اندازه کوبنده، مورد توهین و محکومیت قرار گرفتند (Whigham et al., 2019: 227-229). بنابراین این واقعیت که ورزشکاران به دلیل توانایی ایشان در سرگرمی مردم، مورد محبت قرار گرفته‌اند، واکنش‌هایی منفی در برابر مواضع سیاسی آنها ایجاد خواهد کرد. دلیل اصلی این مطلب کالایی شدن ورزشکاران مبتنی بر منطق اقتصادی است که از قدرت ورزشی ایشان شروع می‌شود و نه از موضع سیاسی ورزشکاران. بر این اساس مردم، قدرت تعیین این را دارند که تولیدکنندگان و محصول باید چگونه باشد؛ یعنی اگر مسابقات ورزشی توسط اشخاص دوست‌داشتنی تولید نشود ممکن است تصاویر برند این مسابقات آسیب ببینند و به کاهش درک و مشارکت در این رقابت‌های منجر شود (Schmidt et al., 2018: 39). از این رو مطابق مفهوم الگو، می‌توان ادعا کرد که انتظارات جامعه از یک ورزشکار به عنوان الگوی نقش، عبور نکردن از خطوط قرمز ناشی از آن است و این مطلب به ایفای نقش توسط گیروورزشکار و نیز تحمیل نوع خاصی از رفتار بر ورزشکار منجر می‌شود (Klein, 2005: 32; Feezell, 2017: 35; Rorke & Copeland, 2022: 104).

البته کافمن و ولف اثبات کرده‌اند ورزشکارانی که در مصاحبه‌های آنها شرکت کرده و «از نظر سیاسی

1. See: Cole, CNN Website, 17 February 2018.

آگاهاند، «مفهوم ورزشکار غیرسیاسی» را توهین‌آمیز و تحقیرکننده می‌دانند (Kaufman & Wolff, 2010: 166).

دلیل دوم: امکان سلب یا تحدید آزادی بیان سیاسی در ورزش در قالب قرارداد کار

تأثیر قرارداد کار بر آزادی بیان در حوزه قضایی نیز متفاوت است و بنابر رویکرد دورکینی می‌توان از حق آزادی بیان از طریق قرارداد کاری امضا شده چشم‌پوشی کرد (Dworkin, 1986: 393-397)؛ درحالی‌که باید گفت حق بیان نباید جزئی از معامله میان نهاد حاکم بر ورزش و ورزشکار باشد، زیرا مانع انتشار و دریافت اطلاعات می‌شود و ورزشکاران را از موقعیت برابر با هم‌تایان خود بازمی‌دارد. این در حالی است که ادعا می‌شود ممنوعیت اظهارات سیاسی توسط ورزشکاران در قالب قراردادهای کاری با مؤسسات خصوصی، امری در راستای ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.^۱ البته در خصوص تماشاگران نیز می‌توان مدعی شد که تماشاگر هویتی چندگانه دارد و قدرت اخلاقی تماشاگران به‌عنوان سخنران و نقش آنها در ورزش مدرن یک رابطه چندلایه‌ای است؛ به این معنا که تماشاگران با ورود به محل برگزاری مسابقه (یا لحظه‌ای که برای خرید بلیت وارد یک رابطه قراردادی می‌شوند)، حق ابراز نظر خود را از دست می‌دهند.

دلیل سوم: دکترین مخاطب اسیر

این ادعا وجود دارد که هیچ‌کس حق ندارد حتی ایده‌های خوب را به گیرنده‌ای که نمی‌خواهد تحمیل کند.^۲ ایده محوری این ادعا آن است که گیرندگان نمی‌توانند پیام، تصویر یا صدای خاصی را نادیده بگیرند،^۳ چه در فضای عمومی مانند فرودگاه و نمایشگاه و یا در فضای خصوصی مانند خانه.^۴ بر این اساس تماشاگران در یک مکان ورزشی اسیرند؛ چه آنکه ترک محل به از دست دادن نتیجه یا بازی منجر خواهد شد و ورزشکاران و سایر افراد نیز که وظیفه ایشان ماندن در محل برگزاری مسابقه است، اسیرند، زیرا غیبت در آن در صورت گزارش توسط داور و یا نهادهای حاکم بر ورزش به جرمه منجر خواهد شد. مخاطبان تلویزیونی رویداد ورزشی نیز ممکن است در شرایط خاصی اسیر تلقی شوند و در صورت وجود عبارات توهین‌آمیز یا تبعیض‌آمیز - اگر توسط پخش‌کننده سانسور نشده باشد - مخاطب نمی‌تواند صدای دستگاه خود را قطع کند یا کانال را برای مدتی تغییر دهد (Gerrard, 2006: 29; R (Simmons, 2006: 79; Smith & Stewart, 2013: 530).

1. Fuentes Bobo v Spain, (2001) 31 EHRR 50. Barendt (n 1) 488; FIFA, 2018 FIFA World Cup Russia Regulations, art 24 (1) and 48 (1). See: Faut, 2014: 254.
2. Rowan v Post Office Dept. 397 US 728 (1970) 738.
3. Lehman v City of Shaker Heights 418 US 298 (1974) 307.
4. Cohen v California 403 US 15 (1971) 21.

دلیل چهارم: ضرر ناشی از برخی بیان‌ها

مبنای دیگر برای محدودیت، ضرر ناشی از بیان است. میل و رز بیان می‌کنند که وجود یا احتمال آسیب ناشی از بیان یک دلیل مکفی برای مسئول دانستن گوینده خواهد بود؛ چه آسیب جسمانی (مانند پرتاب کردن آب دهان یا تخریب تجهیزات اماکن ورزشی و یا...) باشد و یا معنوی (Mill, 1992: 104). مورد تعویض تیم ورنر، بازیکن لایگزیک در بازی لیگ قهرمانان مقابل بشیکتاش نمونه مناسبی برای نشان دادن آسیب مستقیم یا فیزیکی بیان است. در این بازی، سروصدایی که توسط هواداران بشیکتاش با سوت و شعار ایجاد شد، برای ورنر مشکل گردش خون ایجاد کرده و در دقیقه ۳۲ به تعویض وی منجر شد. در این پرونده هیچ گزارشی مبنی بر متهم شدن بشیکتاش به سبب رفتار هواداران وجود ندارد؛^۱ اما برخی معتقدند که چون فوتبالست ذی نفع اصلی فوتبال در این قضیه دچار آسیب شده، باید بشیکتاش مجازات می‌شد و یوفا بایستی به عنوان نهاد سازمان دهنده از ذی نفعان خود در برابر آسیب فیزیکی مستقیم محافظت می‌کرد.

در بعد روحی نیز توهین از جمله محدودیت‌های آزادی بیان است و با آن کمترین مدارا صورت می‌پذیرد و عبارات به دلیل احتمال واکنش خشونت‌آمیز سرکوب می‌شوند (Wasserman, 2005: 382). افزون بر این، حساسیت‌های اخلاق عمومی نیز در بازی‌های المپیک سبب محدودیت آزادی بیان تماشاگران می‌شود که از ایده «وتوی هکسر» نشأت می‌گیرد (Wright, 2017: 161) و نگرانی از محدودیت بی‌مورد آزادی بیان تماشاگران را در پی دارد؛ چراکه این واژه مانند واژه اخلاق عمومی معلوم نیست که حساسیت‌های چه کسی را ملاک قرار می‌دهد؟ چه آنکه رقابت‌های بین‌المللی، شامل شرکت کنندگان و تماشاگران از سراسر جهان و از فرهنگ‌های مختلف و پیروان دگرترین‌های مختلف و احتمالاً متضادند. از این رو تکیه بر ایده «آسیب» نباید محدودیت کلی عبارات شخصی، مذهبی و سیاسی را توجیه کند، زیرا در این صورت معیار کمترین تحمل فرد، فرهنگ یا دولت خواهد بود و اینکه دقیقاً کدام فرهنگ یا دگرترین معیار تساهل در بیان قرار گیرد، یک متناقض در پی خواهد داشت.

در واقع نگرانی از وقوع اغتشاش یا ناامنی برای غلبه بر حق آزادی بیان کافی نیست و تمایل مقامات در «اقدام فوری برای اجتناب از اغتشاش» غیرقابل دفاع است.^۲ همان‌طور که ریچاردز استدلال کرده، تحمل و آزادی وجدان باید به اندازه کافی گسترده باشد تا نه تنها افراد با نوع خاصی از عقیده که هر شخصی را شامل شود، حتی اگر دیدگاه‌های آنها تا حدی که خطر قریب‌الوقوع داشته باشد، تحمل‌ناپذیر

1. The Guardian Website, 'RB Leipzig's Werner 'feeling better' after Besiktas substitution due to crowd noise' (27 September 2017) accessed <https://www.theguardian.com/football/2017/sep/27/rb-leipzig-timo-werner-besiktas-crowd-noise>, 20 August 2019.

2. Tinker v Des Moines Independent Community School District 393 US 503 (1969), 508 and 510.

باشد (Richards, 1999: 96). در پرونده دیگری، هواداران *کرونا زوردا* با سر دادن شعار «مافیای یوفا»، با درنوردیدن محدودیت‌های انتقاد، توهین و بی‌احترامی کرده و یوفا در این خصوص بیان کرد که گاهی بی‌احترامی یک شخص، به جرمه شدن باشگاه منجر می‌شود.^۱ تهدیدات فوری و مستقیم برای امنیت کشور نیز دلیل کافی برای محدودیت بیان است، زیرا فوراً و مستقیم سبب اعمال غیرقانونی و خشونت‌آمیز می‌شوند (Altman, 2012: 44).

۲.۵. سایر ملاحظات

الف) به‌عنوان یک ملاحظه باید تأثیر بیان بر جریان بازی را نیز مدنظر قرار داد و تنها از بیانی حمایت کرد که جریان بازی را قطع نمی‌کند. همچنین عباراتی را که مانع دید تماشاگر هم‌نوع و نیز دوربین‌های پخش‌کننده می‌شوند، باید تحریم کرد؛^۲

ب) عبارت ورزشکار قبل و بعد از شروع بازی همراه با زمان استراحت در هر صورت باید محترم شمرده شود. بنابراین اعتراض بازیکنان لس‌آنجلس کلیبرز قبل از مسابقه به اظهارات نژادپرستانه مالک تیم باید به‌مثابه استفاده مشروع از بستری مناسب برای انتقال پیام تلقی شود.^۳ البته در برخی ورزش‌ها مانند گلف و تنیس این مطلب پذیرفته نشده است. در پرونده‌ای در مجلس اعیان، عبارات ضدآپارتاید در یک مسابقه ویملدون که به قطع نمایش و آزدگی و عصبانیت تماشاگران شد، در محدوده بند ۵ قانون نظم عمومی ۱۹۳۶ توهین‌آمیز تلقی نشده و به آزار و عصبانیت تماشاگران نیز با مسامحه نگریسته شد؛^۴

ج) آزادی بیان در مواردی که بیان سیاسی علیه یک رژیم استبدادی و رژیمی که به عدم رعایت حقوق بشر شناخته شده، محترم شمرده می‌شوند. مانند دو دقیقه سکوت فوتبال‌بست‌ها به یاد صدها کودکی که هر روز در دریای اژه به‌دلیل بی‌تفاوتی بی‌رحمانه اتحادیه اروپا و ترکیه، جان خود را از دست می‌دهند.^۵ البته ممکن است این سؤال طرح شود که کدام رژیم‌ها به اندازه کافی مطهرند و اینکه کدام

1. UEFA CEDB decision of 16 November 2017, FK Crvena Zvezda. Reported in UEFA, 'Case Law: Control, Ethics and Disciplinary Body, Appeals Body, CFCB Adjudicatory Chamber' (July - December 2017) 102 https://www.uefa.com/MultimediaFiles/Download/OfficialDocument/uefaorg/UEFACompDisCases/02/54/65/16/2546516_DOWNLOAD.pdf accessed 20 August 2019.
2. See: Wasserman, 2005: 388-389.
3. A Markazi, 'Clippers stage silent protest' (ESPN Website, 28 April 2014) http://www.espn.com/nba/story/_/id/10848577/los-angeles-clippers-stage-silent-protest-donald-sterling-hide-team-logo accessed 20 August 2019.
4. Brutus v Cozens HL [1973] AC 854.
5. The Guardian Website, 'Greek match delayed as players stage sit-down protest over migrant deaths' (30 January 2016) <https://www.theguardian.com/football/2016/jan/30/greek-match-delayed-players-sit-down-protest-migrant-deaths> accessed 20 August 2019.

شخص حقیقی با حقوقی در مورد پاکی یک رژیم تصمیم می‌گیرد؟ به خصوص که به عدم امکان تمایز میان رژیم‌ها و انسان‌ها نیز باید توجه داشت؛

د) ضرورت توجه به بسترها در تفسیر سیاسی بودن یک بیان: سؤالی که حقوقدانان در این خصوص مطرح می‌کنند آن است که آیا فحاشی به نیل به حقیقت یا تقویت دموکراسی یا خدمت به خیر عمومی کمکی می‌رساند؟ بر اساس این سؤال، محاکم قضاوت می‌کنند که آیا یک بیان به اندازه کافی ارزشمند است تا بتوان از آن حراست کرد؟ (Ingber, 1984: 22). راث علیه ایالات متحده آمریکا نمونه خوبی برای نشان دادن این محدودیت است. در این پرونده مطرح شد که «کوچک‌ترین اهمیت اجتماعی نجات‌دهنده» از حمایت برخوردار خواهد بود «مگر اینکه قابل حذف باشد، زیرا به محدوده منافع اهم از خود تجاوز کرده باشد».^۱ با این حال تشخیص گفتار تجاری از عبارت سیاسی کار آسانی برای قاضی است (Schauer, 2012: 296)؛ اگرچه در همین خصوص نیز مانند مورد حمایت آذربایجان از اتلتیکو (که پیشتر مطرح شد) تمایز میان امر سیاسی و تجاری دشوار خواهد شد. در کنار این مطلب باید توجه داشت که نمی‌توان با تنظیم فهرستی از اصطلاحات تخصصی مورد استفاده، شرایط را از منظر سیاسی یا غیرسیاسی سنجید و آن را معیار قرار داد؛ چه آنکه بسیار جزمی است و تحولات اجتماعی و تکنولوژیکی را منظور نخواهد کرد (Shiffrin, 1990: 30; Dzehtsiarou, 2011: 30). افزون بر این، جایگاه دولت به عنوان قاضی ارزش‌گذاری و دسته‌بندی عبارات، قابل نقد است (Redish, 1984: 69) و نمی‌توان دسته‌بندی عبارات را به نهاد خاص سپرد (Schauer, 2012: 144; Strauss, 1991: 342)، زیرا ممکن است تمایل به دسته‌بندی عبارات به ضرر آزادی بیان داشته باشد و به‌طور بالقوه گفتار کسانی را که از آن انتقاد می‌کنند، سرکوب کند (Lakier, 2015: 2172). بنابراین تقسیم‌ناپذیری عبارات امری بدیهی است و تحریم بوروسیا دورتموند به دلیل باز کردن نبری با مضمون «لغت به یوفا-مافیا» توسط هوادارانش^۲ مثال خوبی برای اثبات این مطلب است. و یا بزرگداشت مرگ برادر یکی از اعضای تیم که در اعتراضات میدانی کشته شده بود، سیاسی دسته‌بندی شد (Faut, 2014: 253).

گاهی تفسیر رویه نیازمند درک عمیق‌تری از زمینه‌ها دارد؛ برای مثال بمب‌گذاری در آنکارا که در پی آن تعداد زیادی از چپ‌گرایان خواستار صلح کشته شدند، به یک دقیقه سکوت قبل از بازی مقدماتی یورو ۲۰۱۶ میان ترکیه و ایسلند منجر شده و این فیلم در قونیه منتشر شد. هواداران ترک در حین سکوت به شوخی و سوت می‌پرداختند و نزدیک پایان آن، فریاد الله اکبر سر دادند. در اینجا اقدامات حامیان ترکیه

1. Roth v United States 354 US 476 (1957) 484.

2. UEFA CEBD decision of 23 February 2017, Borussia Dortmund. Reported in UEFA, 'Case Law: Control, Ethics and Disciplinary Body & Appeals Body' (January - June 2017) 27-33. https://www.uefa.com/MultimediaFiles/Download/OfficialDocument/uefaorg/UEFACompDisCases/02/51/76/81/2517681_DOWNLOAD.pdf accessed 20 August 2019

ممکن است به عنوان رفتار غیرورزشی تفسیر شود. اما ممکن است این تفسیر در قونیه که تقریباً ۹۰ درصد آرا در آن به نفع محافظه کاری و ملی گرایی است، متفاوت باشد. به هر روی، یک تعبیر می تواند فریادها را به عنوان عبارتی مذهبی تفسیر کند و دیگری آن را سیاسی یا پیام مذهبی غیرمناسب یک رویداد ورزشی بداند.^۱ این واقعیت در هنگام یک دقیقه سکوت به یاد قربانیان حملات پاریس در سال ۲۰۱۵ قبل از بازی دوستانه ترکیه و یونان نیز با هوی کردن تکرار شد؛^۲ درحالی که هیچ گزارشی مبنی بر اتهام و تخلف فدراسیون فوتبال ترکیه در این دو مورد گزارش نشده با وجود ماهیت سیاسی اقدام. بر این اساس نکته دیگر در تحلیل رویه نهادهای حاکم بر ورزش آن است که تفسیر بیان مسئله ای موقتی نیست و باید موضعی مشخص و ثابت در مورد طبقه بندی عبارات و تفسیر بیان اتخاذ کنند؛

ه) در صورت نقض شرایط آزادی بیان سیاسی مطرح شده در نوشتار و به منظور تعیین مسئولیت، لازم است نخست شرایط خاص هر پرونده و نیز وزن متناسب میان منافع ورزشکار و نیز نهادهای حاکم بر ورزش در برابر یکدیگر سنجیده شود؛ برای مثال زمانی که بیان ورزشکار در طول یک مسابقه یا در موقعیت دیگری که ورزشکار به عنوان نماینده یک تیم یا یک کشور عمل می کند، اهمیت بیشتری دارد. بر خلاف زمانی که این بیان خارج از زمین ورزش و در یک حریم خصوصی بیان شود که اهمیت کمتری خواهد داشت. البته شدت مجازات و تناسب آن باید با اضرار ناشی از منفعت موجه محدودیت با هم در نظر گرفته شود.^۳ بر همین اساس ممنوعیت مادام العمر قطعاً مجازاتی نامتناسب به نظر می رسد.^۴ در واقع، ممنوعیت مادام العمر که تقریباً به طور قطع لحاظ می شود، باید مورد به مورد بررسی و تعیین شود و نیز در خصوص میل به نمایش سیاست بی طرفی سیاسی باید به صورت مشروع، منسجم و نظام مند دنبال شده و در چارچوب ضرورت و به طور عینی توجیه شود و نیز ابزارهای دستیابی به این هدف متناسب و ضروری باشد.^۵ مبتنی بر نکته اخیر این سؤال قابل طرح است که ممنوعیت تظاهرات سیاسی می تواند هدف

1. I Tharoor, 'Watch: Turkish soccer fans boo minute of silence for Ankara terror victims' (The Washington Post Website, 13 October 2015) https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2015/10/13/watch-turkish-soccer-fans-boo-minute-of-silence-for-ankara-terror-victims/?utm_term=.8e1914d5ac52 accessed 20 August 2019; Cumhuriyet Newspaper Website, 'Konya'daki saygı duruşunda tekbir sesleri' [Shouts of Takbir during minute's silence in Konya] (2015) http://www.cumhuriyet.com.tr/haber/futbol/387423/Konya_daki_saygi_durusunda_tekbir_sesleri.html accessed 20 August 2019.
2. Reuters Website, 'Turkey fans boo minute's silence for Paris victims' (2015) <https://www.reuters.com/article/us-soccer-friendly-turkey/turkey-fans-boo-minutes-silence-for-paris-victims-idUSKCN0T62LY20151117> accessed 20 August 2019
3. Cf. SFT 138 III 322, 330–331, para 4.3.4. See also, e.g., Kurlantzick, 2010: 194.
4. Cf. SFT 138 III 322, 331–332, para 4.3.5.
5. Case C157/15, Achbita v. G4S Secure Solutions NV, (2015), at para. 37–43. <http://curia.europa.eu/juris/document/document.jsf?text=&docid=188852&pageIndex=0&doclang=EN&mode=lst&dir=&occ=first&part=1&cid=52920>

بی طرفی سیاسی را توجیه کند یا خیر؟ با اینکه منشور المپیک سعی دارد ممنوعیت کلی برای تظاهرات سیاسی اعمال کند، اما به نظر می‌رسد منشور بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بهتر می‌تواند این هدف را برآورده سازد؛ یعنی محدودیت تنها در صورت پیش‌بینی قانون و ضرورت برای احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و نیز حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی. چه آنکه همین اعتراض‌ها در واقع و به‌طور مثبت می‌تواند به پیشبرد مأموریت المپیک در «ساخت یک جامعه صلح‌آمیز مرتبط با حفظ کرامت انسانی»^۱ کمک کند. همانند اقدام کاربوس در بازی‌های ۱۹۶۸ که رئیس AOC و نایب‌رئیس کمیته بین‌المللی المپیک در خصوص وی چنین گفت که: «این ستایش بسیار به تعویق افتاده است، احترام به پیترو و اقدامات او بدون شک تا به امروز بسیار زیاد بوده و او در تمام زندگی به حقوق بشر اعتقاد داشته است».^۲

۶. نتیجه

از جمله نتایج این نوشتار می‌توان به موجه‌مندی برخی مبانی برای تحدید موردی آزادی بیان سیاسی ورزشکاران اشاره کرد؛ همانند دکترین مخاطب اسیر، یا ضرر ناشی از برخی بیان‌ها، یا اثر قرارداد بر تحدید آزادی بیان و ضرورت پشتوانگی اجتماعی از حق. البته این مبانی دلالت بر تحدید غیرمنتظم آزادی بیان و یا سلب کلی این حق ندارد و در کنار این مبانی باید ملاحظات را در نظارت بر آزادی بیان سیاسی مدنظر قرار داد؛ از جمله آنکه پیگیری سیاست بی‌طرفی سیاسی، باید به‌صورت مشروع، نظام‌مند و محدود به آنچه کاملاً ضرورت دارد، دنبال شود و نیز ابزارهای دستیابی به این هدف متناسب و ضروری و تنها در صورت پیش‌بینی قانون و موارد حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی باشد. همچنین پایش نسبت ورزش با سیاست، به غفلت از کارویژه ورزش در «ساخت یک جامعه صلح‌آمیز مرتبط با حفظ کرامت انسانی» منجر نشود.

بر این اساس، آزادی بیان نمی‌تواند و نباید بی‌حدوحصر باشد. عبارات منتج به آسیب فیزیکی مستقیم به وسایل و اهداف باید محدود شود. علاوه بر این، در مورد آسیب روانی، در موارد خاصی که آسیب قریب‌الوقوع است و هیچ راه دیگری برای جلوگیری از آسیب وجود ندارد، آزادی بیان ممکن است محدود شود. بیان چهره به چهره برای تضييع حقوق یا اراده شخص خاصی که به واکنش‌های خشونت‌آمیز منجر می‌شود باید محدود شود. عباراتی که به اجبار، کلاهبرداری و افترا منجر می‌شود نیز باید محدود شوند، زیرا به قدرت‌های اخلاقی افراد تعدی می‌کنند. به همین ترتیب، امنیت و نگرانی‌های ایمنی که خطر

1. See: Olympic Charter, supra, note 14, at 11.

2. CNN, Australian Peter Norman Honored Over 1968 Black Power Protest, (Apr. 28, 2018) <https://edition.cnn.com/2018/04/28/asia/peter-norman-australia-honor-intl/index.html>

قریب الوقوع بودن را همراه با زمینه‌های یک موضوع مشخص می‌کند نیز باید در محدودیت یک بیان در نظر گرفته شود. علاوه بر این، آن دست از عبارات تماشاگران که به ضرر جریان بازی است نیز باید محدود شود.

از سوی دیگر به دلیل چالش‌های ناشی از بیان منشور المپیک در راستای حفظ بی‌طرفی سیاسی، پیشنهاد این نوشته، تجدیدنظر در قانون ۵۰.۲ منشور مطابق با اسناد و اصول حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی است که می‌تواند در قالب دستورالعمل‌هایی شامل محدودیت‌های به اندازه کافی مشخص، دخالت محدود و دارای توجیه مناسب در ابراز عقیده توسط ورزشکاران باشد. چنین محدودیت‌هایی می‌تواند عبارت باشد از: اظهارات عمداً غیرواقعی، نقض حقوق دیگران، سخنان تنفرآمیز، حمایت صریح از احزاب یا گروه‌های سیاسی. هرگونه محدودیت از جمله محدودیت‌های مذکور باید بدون اعمال فشار بر ورزشکاران برای انطباق ایجاد شود، زیرا این نوع فشار می‌تواند تنوع عقاید آزاد و دموکراتیک موردنظر را محدود کند. افزون بر این دادگاه باید دقیقاً مشخص سازد که کدام اظهارنظر غیرقابل قبول تلقی می‌شود، زیرا غیرقابل قبول دانستن کلی ابراز عقیده را نمی‌توان تصور کرد. بنابراین در هیچ شرایطی محدودیت در ابراز عقیده توسط ورزشکاران نباید مانع تعهد به ارزش‌های اساسی آزاد و دموکراتیک یا پیگیری حقوق بشر و حقوق اساسی شود. ورزش در کل باید خود را به این هدف مشترک متعهد بداند تا تأثیر مثبت خود را در جامعه حفظ و تقویت کند.

منابع

۱. فارسی

۱. فرومن، میشل (۱۳۸۲). حمایت از آزادی و برابری. ترجمه علی اکبر گرجی، حقوق اساسی، ۲ (۱)، ۱۵۰-۲۱۰.
۲. قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۸۴). توسعه قلمرو و تضمین محدودیت: آزادی بیان در آیین حقوق بشر معاصر مبانی نظری و پیامدهای حقوقی. تحقیقات حقوقی، ۸ (۱۲۳)، ۱۳۴-۱۰۵.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Act. S., & Stewart, B. (2013). *The special features of sport: a critical revisit in S Söderman and H Dolles (eds), Handbook of Research on Sport and Business*. UK: Edward Elgar.
2. Altman, A. (2012). *Freedom of Expression and Human Rights Law: The Case of Holocaust Denial* in I Maitra and MK McGowan (eds), *Speech and Harm: Controversies Over Free Speech*. United Kingdom: Oxford University Press.
3. Beitz, CR. (2009). *The Idea of Human Rights*. United Kingdom: Oxford University Press.

4. Dworkin, R. (1986). *A Matter of Principle*. United Kingdom: Oxford University Press.
5. Goldblatt, D. (2016). *The Games. A Global History of the Olympics*. W. W. Norton & Company, Inc.
6. Henderson, S. (2013). *Sidelined: How American Sports Challenged the Black Freedom Struggle*. Kentucky: University Press of Kentucky.
7. Mill, JS. (2005). *On Liberty and Other Essays*, United Kingdom: Oxford University Press.
8. Nafziger, JAR. (1988). *International Sports Law*. Transnational Publishers. Central European University: Brill Nijhoff
9. Parrish, R. (2003). *Sports Law and Policy in the European Union*. England: Manchester University Press.
10. Pérez, JL. (2013). *The Challenge of Modern Sport to Ethics: From Doping to Cyborgs*, Lexington Books
11. Raz, J. (1988). *The Morality of Freedom*. Oxford Scholarship Online 2003.
12. Redish, MH. (1984). *Freedom of Expression: A Critical Analysis*. YT: Michie Co.
13. Richards, DAJ. (1999). *Free Speech and the Politics of Identity*, United Kingdom: Oxford University Press.
14. Schauer, F. (1982). *Free Speech: A Philosophical Enquiry*, United Kingdom: Oxford University Press.
15. Schauer, F. (2012). *free speech: a philosophical enquiry*, cambridge university press.
16. Shiffrin, SH. (1990). *The First Amendment, Democracy, and Romance*. New Jersey: Princeton University Press.
17. Simmons, R. (2006). *The demand for spectator sports* in W Andreff and S Szymanski (eds), *Handbook on the Economics of Sport*.
18. Weinstein, J. (2009). *Extreme Speech, Public Order, and Democracy: Lessons from The Masses* in J Weinstein and I Hare (eds), *Extreme Speech and Democracy*. United Kingdom: Oxford University Press.

B) Articles

19. Baker, C. (2008). scope of the first amendment freedom of speech. *ucla l. Rev*, 25 (1), 1-77.
20. Beck, U. & Sznaider, N. (2010). Unpacking cosmopolitanism for the social sciences: a research agenda. *The British Journal of Sociology*. 61 (1), 381-403.
21. Cass, R. (1987). The perils of positive thinking: constitutional interpretation and negative first amendment theory. *ucla l. Rev*. 34 (1), 1405-1414.
22. Cooper, JN. & others (2019). Race and resistance: A typology of African American sport activism. *International Review for the Sociology of Sport*. 54(2), 151-181.
23. Cover, RM. (2013). The Supreme Court, 1982 Term - Foreword: Nomos and Narrative. *Harvard Law Review*, 97 (4), 4-68.
24. Dzehtsiarou, y. K. (2011). European Consensus and the Evolutive Interpretation of the European Convention on Human Rights. *German Law Review*. 12(10), 1730-1745.
25. Faut, F. (2014). The Prohibition of political statements by athletes and its consistency with Article 10 of the European Convention on Human Rights: speech is silver, silence is gold?. *The International Sports Law Journal*. 4 (14), 253-263.
26. Feezell, R. (2005). Celebrated Athletes, Moral Exemplars, and Lusory Objects. *Journal*

- of the *Philosophy of Sport*. 32(1), 20–35.
27. Gelber, K. (2012). Political Culture, Flag Use and Freedom of Speech. *Political Studies*. 60(1), 163-179.
28. Gerrard, B. (2006). Competitive Balance and the Sports Rights Market: What Are the Real Issues in C Jeanrenaud and S Késenne (eds), *The Economics of Sport and Media*. 29 (2), 1-48.
29. Giulianotti, R., & GPT Finn (2009). Old visions, old issues: New horizons, new openings? Change, continuity and other contradictions in world football. *Sport in Society*. 2(3), 256–282..
30. Gleaves, J., & Llewellyn, M. (2014). Ethics, Nationalism, and the Imagined Community: The Case Against Inter-National Sport. *Journal of the Philosophy of Sport*. 41(1), 1–19.
31. Ingber, S. (1984). The Marketplace of Ideas: A Legitimizing Myth. *Duke Law Journal*. 22 (1), 1-99.
32. Kaufman, P., & Wolff, EA. (2010). Playing and Protesting: Sport as a Vehicle for Social Change. *Journal of Sport and Social Issues*. 34(2), 154-175.
33. Klein, SE. (2017). An Argument against Athletes as Political Role Models 10 Fair Play. *Revista de Filosofía, Ética y Derecho del Deporte*. 1 (10), 25-45.
34. Krzyzaniak, JS. (2018). The soft power strategy of soccer sponsorships. *Soccer & Society*. 19(4), 498–515.
35. Lakier, G. (2015). The Invention of Low-Value Speech. *Harvard Law Review*. 22 (128), 2166-2233.
36. Mutz, M., & Gerke, M (2018). Major Sporting Events and National Identification: The Moderating Effect of Emotional Involvement and the Role of the Media. *Communication & Sport*. 6(5), 605-626.
37. Rorke, T., & Copeland, A. (2017). Athletic Disobedience: Providing a Context for Analysis of Colin Kaepernick's Protest. *Revista de Filosofía, Ética y Derecho del Deporte*. 3 (10), 84-107.
38. Schauer, F. (1981). Categories and the First Amendment: A Play in Three Acts. *Vanderbilt Law Review*. 34 (2), 265-310.
39. Schmidt, SH., and others (2018). An Experimental Examination of Activist Type and Effort on Brand Image and Purchase Intentions. *Sport Marketing Quarterly*. 27 (1), 31-43.
40. Strauss, DA. (1991). Persuasion, Autonomy, and Freedom of Expression. *Columbia Law Review*. 91, 20.
41. Wasserman, HM. (2005). Cheers, Profanity, and Free Speech. *Journal of College and University Law*. 31 (2), 377-393.
42. Whigham and others (2019). 'Més Que Un Joc?: Sport and Contemporary Political Nationalism in Scotland and Catalonia'. *Journal of Sport and Social Issues*. 43(3), 219-244..
43. Wright, RG. (2017). The Heckler's Veto Today. *Case Western Reserve Law Review*. 68 (1), 159-188.